

استقبال از شعر حضرت حافظ علیه الرحمه با مطلع:

یاری اندر کس نمی بینیم، یاران را چه شد؟
دوستی کی آخر آمد؟ دوستداران را چه شد؟

جا نیان مسند نشین

با رالها مُلک ما و شیرمردان را چه شد
آن صفای مردمان حق پرستان را چه شد
روبهان گشتند شیرو جانیان مسند نشین
قاتلان بنموده عفو خویش، وجدان را چه شد
خانان باهم قسم بستند در تاج مُلک
آن گذشتن هازجان در راه جانان را چه شد
ملت افغان شده تشنه بخون همدگر
آن محبت ها و الفت، یارویاران را چه شد
گرگ و جانی، قاتل و قصاب کردند ائتلاف
آن عدالت ها و انصاف، حق شناسان را چه شد
گشت مُلک ما خراب از دست بی دینان دون
آهوان رم کرده اند، خیل غزالان را چه شد
قتل های انتحاری از کجا گشته روا؟
اعتقاد ظالمان از روز پُرسان را چه شد
بسکه افزون شد به ملکم چهره اهریمنان
هر طرف زاغ وزغن، آن عند لیبان را چه شد
دشمنان دین ما گردیده اند با دار ما
غیرت افغانی و شیران میدان را چه شد*
گشت غارت موزه کابل هم آثار عتیق

لاجورد ملک ما، لعل بد خشان راجه شد
گشته ویران لوگروکا بل، غزنی وهرات
با میان وشاهکار روزگاران راجه شد
رشوه و رشوه ستانی گشته امری آشکار
ترس از روز حساب حی سبحان راجه شد
خون مظلومان بریزند دور از ترس وهراس
آن ترحم ها وشفقت بریتیمان راجه شد
حق مردم میخورند چون جرعه آب روان
عدل و انصاف و مروت دوستداران راجه شد
خشک سالی های پیهم در چنین وضع خراب
برد از بین حاصلات و برف و باران راجه شد
رانده شد آواره گان مان با جور و جفا
حُرمت همسایگان و حکم قرآن راجه شد
ده هزاران پیرو برنا، زنده بنمودند به گور
کس نکرده تعزیت، آن غمشریکان راجه شد
تا به چند صبر جفاها، یک نظر از رحمتت
یا الهی سرنوشت مُلک افغان راجه شد
ای خدا! تا کی بسوزم از فراق میهنم
دامن پُر مهر مادر، جان و جانان راجه شد
"حیدری" ا سرار خالق رانمی دانی خموش
کن دعا وقت سحر، تا چرخ دوران راجه شد

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری، پنجم جون ۲۰۰۷، سدنی

* - مرحوم استاد قاسم در دربار اعلیحضرت امان الله خان غازی ودر

حضور سفیر انگلیس خوانده بود:

گرندهانی غیرت افغانیم چون به میدان آمدی میدانیم

